

دکتر دیو متیوسون، ادبیات عهد جدید، سخنرانی ۱۹، غلاطیان

© 2024 دیو متیوسون و تد هیلدبرانت

این دکتر دیو متیوسون در سخنرانی ۱۹ تاریخ و ادبیات عهد جدید درباره کتاب غلاطیان است. دکتر دیو متیوسون.

بسیار خوب، بیایید شروع کنیم.

بیایید با دعا شروع کنیم. و سپس فکر می کنم آخرین باری که با هم بودیم در غلاطیان کار را ترک کردیم. بنابراین، ما در واقع روی آن کتاب کار خواهیم کرد.

متوجه خواهید شد که ما در حال رسیدن به نقطه ای هستیم که امتحان دیگری در پیش داریم. به نظر می رسد که یک هفته از امروز دوشنبه و دوشنبه آینده طول خواهد کشید. این پنجشنبه شب یک جلسه بررسی اختیاری اما اضافی وجود دارد.

من جزئیات بیشتری را در مورد زمان و مکان تا دوره کلاس بعدی به شما خواهم داد، امیدوارم قبل از آن باشد. به محض اینکه همه چیز را فهمیدم به شما ایمیل می زنم. اما در این پنجشنبه شب یک جلسه بررسی برای اعتبار اضافی برنامه ریزی کنید.

و سپس دوباره، یک هفته دیگر امتحان شماره دو خواهد بود.

بسیار خوب، بیایید با دعا شروع کنیم، و بعد نگاه کردن به غلاطیان را تمام می کنیم.

پدر، ممنون برای استراحت و فرصتی برای استراحت و گرفتن. و خداوند، دعا می کنم که ما انرژی پیدا کنیم تا بقیه ترم را پشت سر بگذاریم. و اکنون دعا می کنم که در حالی که ما فقط بر بخش کوچکی از وحی شما تمرکز می کنیم، به ما خرد می دهید که در مورد آن انتقادی فکر کنیم، به طور تاریخی در مورد آن فکر کنیم، اما در مورد آن از این نظر فکر کنیم که چگونه امروز از طریق این کتاب خاص برای مردم خود صحبت می کنید. به نام عیسی، ما دعا می کنیم، آمین.

بسیار خوب، کتاب غلاطیان که گفتیم به احتمال زیاد برای گروهی از کلیساها در بخش جنوبی استان، استان رومی غلاطیه نوشته شده است، که آن را در میان مجموعه ای از کلیساها قرار می دهد که پولس در یکی از سفرهای تبلیغی خود که او را از طریق جنوب آسیای صغیر یا ترکیه امروزی می برد، بازدید می کرد. ما همچنین پیشنهاد کردیم که مشکلی که پولس با آن روبرو بود گروهی بود که محققان آنها را یهودی نامیدند، یعنی گروهی از احتمالاً مسیحیان یهودی که ادعا می کردند غیریهودیان باید از شریعت موسی اطاعت کنند، یعنی برای مردان که به معنای ختنه شدن است، برای همه کسانی که به معنای رعایت قوانین سبت، حفظ قوانین غذایی است. به ویژه آن قوانینی که فرد را به عنوان عضوی از قوم واقعی خدا، اسرائیل مشخص می کند. و بنابراین، پولس با گروهی از مسیحیان یهودی روبرو شد که در آن زمان آموزش می دادند یا در کلیسای غلاطیه نفوذ کرده بودند و به مسیحیان غیریهودی می گفتند که ایمانشان به عیسی کافی نیست، اما آنها همچنین باید رعایت شریعت عهد عتیق را اضافه کنند.

بنابراین، کتاب غلاطیان تلاش پولس خواهد بود تا خوانندگان را متقاعد کند که این مسیر را دنبال نکنند و در عوض آنها را متقاعد کند که فقط به عیسی مسیح اعتماد کنند. اکنون پولس قصد ندارد بگوید که آنها نیازی به تکیه بر شریعت ندارند، بنابراین واقعاً مهم نیست که چگونه زندگی می کنند یا چه کاری انجام می

دهند، اما پولس استدلال می کند که شریعت موسی نباید و نیازی به ایفای نقشی در زندگی این مسیحیان غریبه‌ودی ندارد و خواهیم دید که چرا او این را می گوید و چه چیزی مستلزم آن است. من فکر می کنم ما نیز با نگاه کردن به این موضوع به پایان رسیدیم.

من در غلاطیان گفتم، پولس در کل کتاب تضادی ایجاد می کند، تضادی که من با این دو دایره نشان داده ام. این دو دایره می توانند به یک معنا نشان دهند، این دو دایره می توانند تضاد بین آنها را نشان دهند، این نشان دهنده پیام پادشاهی است که خدا، که عیسی در انجیل ها ارائه کرد، که مردان و زنان می توانند وارد پادشاهی شوند و در آن شرکت کنند، حتی اگر هنوز به طور کامل و به طور کامل نباشند. این نشان دهنده زندگی تحت کنترل یا در قلمرو این دنیای کنونی است که با گناه و مرگ مشخص و تحت سلطه است و اصطلاحی که پولس به کار می برد، جسم، که چندان به جسم فیزیکی من اشاره نمی کند، بلکه به من به عنوان مستعد گناه اشاره می کند که در ضعف و تحت تأثیر این عصر شیطانی کنونی.

پولس همچنین شریعت را در این دسته قرار می دهد، نه به این دلیل که فکر می کند گناه آلود یا بد است، بلکه صرفاً به این دلیل که در نهایت توانایی غلبه بر این وضعیت را ندارد. اما پس از آن پولس حوزه دیگری یا قلمرو دیگری از قدرت یا کنترل یا نفوذ را می سازد که به گفته او با زندگی و عدالت و روح القدس خدا مشخص می شود، قلمرویی که در آن ما برکات نجات را در مسیح تجربه می کنیم. بنابراین، پولس انسانیت و زندگی را می بیند که می توانند به این دو حوزه مفهومی تقسیم شوند.

دوباره، یک حوزه که با زندگی و مرگ مشخص می شود، زندگی من تحت تأثیر این عصر شیطانی کنونی، این دنیای کنونی، و حوزه دیگری از نفوذ است که توسط آنچه در مسیح هستم تعیین می شود و با زندگی و عدالت و داشتن روح القدس مشخص می شود. حالا، یک چیز دیگر، و این تضاد تمام راه را در غلاطیان خواهد داشت. نکته دیگری که باید در مورد غلاطیان بگویم این است که وقتی آن را می خوانیم، علاقه زیادی به نوع حرف غلاطیان وجود داشته است.

همچنین علاقه زیادی به خواندن غلاطیان با توجه به سخنرانی های یونانی-رومی قرن اول یا انواع سخنرانی های فلسفی یونانی-رومی وجود داشته است. به عنوان مثال، ما در واقع تعدادی سخنرانی بلاغی داریم که کلمه ای است که من به دنبالش بودم. ما در واقع تعدادی کتاب راهنما داریم که به نظر می رسد روش های مناسب ساخت نوع بلاغی سخنرانی ها از ارسطو و تا قرن اول را مورد بحث قرار می دهند که روش مناسب استدلال در مورد یک نکته خاص را توصیف می کنند.

بنابراین، بلاغت نویسان، برای متقاعد کردن کسی یا استدلال در مورد نظر آنها، سخنرانی ها را بر اساس الگوهای خاصی می سازند. برخی از محققان متقاعد شده اند که غلاطیان در واقع فقط قرار نبود یک نامه مکتوب باشد، بلکه در واقع با یک سخنرانی بلاغی معمولی قرن اول مطابقت دارد. مطمئناً می توانید اعتبار آن را ببینید.

اگر پولس سعی می کند خوانندگان خود را متقاعد کند که مسیر پیشنهادی یهودیان را اتخاذ نکنند، بلکه مسیر عملی را که پولس پیشنهاد می کند اتخاذ کنند، می توانید ببینید که سخنرانی بلاغی ممکن است فقط بلیط باشد، فقط چیزی که او می خواهد برای متقاعد کردن خوانندگانش استفاده کند. در این به اصطلاح کتابچه های راهنما که از ارسطو در دسترس داریم و سوابقی از چگونگی ساخت این سخنرانی های بلاغی اغلب داریم، به ویژه در سالن دادگاه که کسی دفاع می کند، سخنرانی دفاعی از طرف کسی. باز هم طرح ها و حرکات مناسبی در سخنرانی وجود داشت.

و در اینجا مثالی از نحوه اعمال این در غلاطیان آورده شده است. پنج آیه اول فصل اول غلاطیان بسیار شبیه به نامه های دیگر پولس شروع می شود، مانند یک رساله که شروع می شود. با این حال، برخی فکر کرده اند که بقیه غلاطیان در واقع مانند این سخنرانی های بلاغی قرن اول در دنیای یونانی-رومی توسعه یافته اند.

بنابراین، برای مثال، بیشتر سخنرانی ها با یک نصیحت شروع می شوند که نوعی بیان پرونده و بیان مسئله یا مشکل بود. و برخی فصل اول، ششم تا یازدهم را معادل نصیحت در یک سخنرانی یونانی-رومی قرن اول دانسته اند. و البته، فرض بر این است که پولس یا به عنوان بخشی از تحصیلات خود در این زمینه در لفاظی یونانی-رومی آموزش دیده است، یا از الگوهای گفتاری یونانی-رومی آگاه بوده است.

بنابراین، یک نصیحت، یک روایت، دومین ویژگی که اغلب در برخی از سخنرانی های بلاغی پیدا می کنید، روایت است که تز اصلی و حقایق اصلی پرونده را روایت یا بیان می کند. و برخی آن را با بقیه فصل اول و فصل دوم شناسایی کرده اند. این می تواند دوباره، فقط نوعی بیانی و تمرین حقایق باشد که مربوط به پرونده است.

و سپس پیشنهاد می آید، که، در اینجا، خلاصه ای از نقاط توافق در پرونده است، و در درجه اول تز مورد بحث قرار می گیرد. بنابراین، پیشنهاد. سپس probatio، چیزی که به عنوان probatio شناخته می شود، جایی که شما به سادگی شروع به فهرست کردن و جمع آوری تمام پشتیبانی ها و اثبات ها برای موقعیت خود می کنید.

بنابراین دوباره، اگر در دادگاه استدلال می کنید که چرا کسی بی گناه یا گناهکار است، سپس تمام شواهد و استدلال ها را در مورد اینکه چرا گناهکار است یا چرا باید تبرئه شود، تمرین می کنید. و در نهایت، نصیحت. در برخی از سخنرانی ها، به ویژه آن سخنرانی هایی که نه چندان به معنای استدلال برای یک مجرم گذشته یا حکم بی گناه بودند، بلکه برخی از سخنرانی ها برای تلاش برای متقاعد کردن خوانندگان به انجام یک اقدام خاص در آینده بود.

این نوع سخنرانی ها اغلب دارای یک نصیحت بودند، که نصیحت ها یا دستوراتی برای متقاعد کردن یا متقاعد کردن خوانندگان در مورد اقدامی بود که باید در آینده انجام دهند. و بنابراین بقیه فصل 5 تا بخش عمده ای از فصل 6 برای غلاطیان اغلب به عنوان نصیحت دیده می شود، معادل نصیحت یک سخنرانی یونانی-رومی. و سپس پولس نامه خود را مانند اکثر نامه های معمولی قرن اول به پایان می رساند.

بنابراین، آنچه شما دارید، برخی ادعا می کنند، یک سخنرانی بلاغی است که با مقدمه و نتیجه گیری معمولی یک رساله در پرانتز قرار گرفته است. بنابراین، این در واقع نامه ای است که حاوی یک گزارش کتبی از یک سخنرانی بلاغی شفاهی است که پولس شاید می توانست یا اگر برای متقاعد کردن خوانندگان در آنجا بود، می توانست به صورت شفاهی ایراد کند. بنابراین، فرض بر این است که او به سادگی از یک الگوی گفتار بلاغی رایج استفاده می کند که او و خوانندگان با آن آشنا بودند تا آنها را متقاعد کند که مسیر این یهودیان را دنبال نکنند، بلکه مسیری را که پولس توصیه می کند دنبال کنند.

و آن این است که ایمان به عیسی مسیح، جدا از اطاعت از شریعت موسی و تسلیم شدن در برابر شریعت موسی، برای عادل شمرده شدن و نجات آنها کافی است. باز هم، احساس من این است که احتمالاً پولس از الگوهای گفتاری یونانی-رومی برای کل نامه خود استفاده نکرده است. حالا، من فکر می کنم پل احتمالاً از روش های بلاغی قرن اول برای متقاعد کردن استفاده کرده است.

منظورم این است که وقتی او متقاعد می شد که پیامی از طرف خدا دارد، از هر چیزی برای متقاعد کردن خوانندگان و متقاعد کردن آنها استفاده می کرد که اینطور است. اما وقتی با دقت به غلاطیان نگاه می

کنید، تنها نشانگرهای رسمی که دارید، به یاد بیاورید وقتی که من آن تصویر کارتون را گذاشتم، کارتون بادام زمینی، و از شما پرسیدم که چگونه می دانید این چیست، و شما جعبه ها را شناسایی کردید، توالی جعبه ها، حباب های گفتار، از این قبیل چیزها، نوعی از شخصیت های اغراق آمیز که شبیه اشکال انسانی بودند که واقعا شبیه یک انسان نبودند، این نوع چیزها به شما اطلاع می دادند که این یک کارتون است. وقتی به غلاطیان نگاه می کنید تا بفهمید چه سرنخ هایی پیدا می کنیم که به ما می گوید این چه نوع ادبیاتی است، تنها چیزی که می بینید این است که پولس به سادگی یک نامه معمولی قرن اول می نویسد.

بنابراین شخصا، اگرچه این بسیار محبوب و رایج است، من شخصا به این طرح شک دارم، و متقاعد نشده ام که پل از الگوهای گفتاری معمولی قرن اول پیروی می کرد. در عوض، او به سادگی روش معمول نوشتن نامه قرن اول را دنبال می کرد. بنابراین من فکر نمی کنم که ما باید این کار را انجام دهیم، که پولس سعی می کند این نصیحت، روایت و پیشنهاد را دنبال کند، اما در عوض او از یک نامه معمولی پیروی می کند، یک مقدمه، او از شکرگزاری صرف نظر می کند زیرا از قرنیتان بسیار ناراحت است، سپس متن نامه، نصیحت، دستوراتی که پولس معمولا در تمام نامه هایش می دهد، و سپس یک نامه معمولی قرن اول را به پایان می رساند.

بنابراین دوباره، من کمی در این مورد شک دارم، اما بسیاری، به ویژه در مورد غلاطیان، بسیاری پولس را به عنوان یک نوع سخنرانی بلاغی معمولی قرن اول می بینند. باز هم، چه پولس در این زمینه آموزش دیده باشد یا اینکه در سفرهایش در سراسر آسیای صغیر از آن آگاه شده باشد، پیشنهادات مختلفی در مورد اینکه چرا او ممکن است این کار را انجام دهد، وجود دارد. اما دوباره، من فکر نمی کنم که پل کاری غیر از نوشتن یک نامه معمولی قرن اول انجام دهد، و فکر نمی کنم او قصد این کار را داشته باشد، و خوانندگان اولیه اش نیز آن را به این شکل می خواندند.

حالا، وقتی فصل اول و دوم غلاطیان را می خوانید، وقتی به ابتدای کتاب نگاه می کنید، پس از مقدمه او، مقدمه نامه ای معمولی او که در آن او خود و خوانندگانش را شناسایی می کند، در دو فصل اول چه می گذرد؟ از آنجا که پولس، اگرچه شک دارم که ما باید در مورد این موضوع به عنوان یک روایت صحبت کنیم، پولس چیزهای زیادی در مورد زندگی اولیه خود در یهودیت در پایان فصل اول و فصل دوم به ما می گوید. و سوال این است که چرا پولس این کار را می کند؟ پولس در مورد زندگی خود به عنوان یک یهودی قبل از بازگشت بسیار صحبت می کند، و ما قبلا به طور خلاصه به این متن در رابطه با بازگشت پولس نگاه کرده ایم، جایی که من این فرض را به چالش می کشم که ما اغلب به پولس به عنوان کسی فکر می کنیم که کمتر و کمتر از شریعت راضی می شود و بیشتر و بیشتر سرخورده می شود و بیشتر و بیشتر احساس گناه می کند زیرا نمی تواند از آن اطاعت کند. یکی از متونی که این موضوع را زیر سوال می برد، غلاطیان است، زیرا در غلاطیان یک و دو، پولس کاملا از زندگی خود در یهودیت خوشحال بود.

و دوباره، او آنقدر شدید و مصمم به حفظ مذهب اجدادی خود بود که حتی می گوید حتی کلیسا را مورد آزار و اذیت قرار می داد و مسیحیان را به دلیل غیرت به شریعت و یهودیت می کشت. پولس نوعی فریسی از نوع متعصب بود، اگر جنبش های مختلف یهودی را به یاد داشته باشید که در اوایل این ترم در مورد آنها صحبت کردیم. بنابراین، پولس در مورد زندگی خود در یهودیت بسیار صحبت می کند و بازگشت خود را در فصل های اول و دوم غلاطیان بیان می کند.

و سوال این است که چرا پولس این کار را می کند؟ چرا او نزدیک به دو فصل را صرف تکرار این واقعیت می کند که او یک یهودی خوب و یک یهودی معتقد بود و شریعت را نگه می داشت و این و آن کار را انجام می داد، اما پس از آن عیسی مسیح در راه دمشق با او روبرو شد و پولس به مسیحیت گرویده و در آن زمان فراخوانده شد و منصوب شد تا برای غیریهودیان نیز رسول شود. چرا پولس باید همه اینها را بازگو کند؟ زیرا به یاد داشته باشید که کاری که او انجام می دهد این است که او نگران است که برخی از این خوانندگان

غیریهودی در غلاطیه، بخش جنوبی استان غلاطیه، در برخی از این شهرهایی که او در آنها کلیسا بنا کرده است، طبق اعمال رسولان، او اکنون نگران است که برخی از آنها توسط این یهودیان گمراه شده اند که می گویند اکنون شما نیز باید تسلیم شریعت موسی شوید. پس چرا پولس چیزی از داستان زندگی خود را به طور خلاصه تکرار می کند، زندگی خود به عنوان یک یهودی و بازگشت او؟ خوب، چند چیز در جریان است، اما اول از همه، قبل از اینکه بپرسیم چرا او این کار را در یادداشت های شما انجام داد، من همچنین این سوال را مطرح کردم که در چهار بیت اول فصل اول چه می گذرد. زیرا در واقع، در چهار آیه اول فصل اول، قبل از اینکه پولس وارد نامه شود، او هنوز در مقدمه نامه است.

قبل از اینکه او وارد قلب نامه خود شود، من متقاعد شده ام که او در واقع خوانندگانش را آماده می کند و آنها را در کنار خود قرار می دهد و سعی می کند پرونده خود را ببرد. زیرا او با گفتن این شروع می کند که پولس، یک رسول، نه به دستور انسانی فرستاده شده است و نه از سوی مقامات انسانی. حالا، این جالب است.

پل صریحا اینطور صحبت نمی کند. در برخی از نامه های دیگر خود در مقدمه مانند این، او ادعا نمی کند که او فقط توسط عیسی مسیح منصوب شده است، که مژده او توسط هیچ مرجع انسانی دیگری نمی آید. بنابراین، او چه می گوید؟ در یک لحظه دیگر به آن باز خواهیم گشت.

او می گوید، من یک رسول هستم نه به مأموریت انسانی و نه از طرف مقامات انسانی، بلکه از طریق عیسی مسیح و خدای پدر که او را از مردگان برخیزانید. و تمام اعضای خانواده که با من به کلیساهای غلاطیه هستند. این ایالت جنوبی غلاطیه و برخی از شهرهایی است که پولس در طول سفرهای بشارتی خود از آنها بازدید کرد.

و او ادامه می دهد و می گوید، فیض بر شما و سلامتی از جانب خدای پدر ما و خداوند عیسی مسیح، اکنون به این گوش دهید که خود را برای گناهان ما داد تا ما را از عصر شیطانی کنونی مطابق اراده خدای پدر آزاد کند. حال، کاری که پولس انجام داده دو چیز است. شماره یک، بخش اول کلید درک فصل های اول و دوم است که در آن پولس می گوید، من یک رسول هستم نه توسط هیچ اقتدار انسانی یا توسط هر هیئت نمایندگی انسانی، بلکه صرفا با انتخاب یا مأموریت عیسی مسیح.

این مهم خواهد بود، فقط در یک لحظه خواهیم دید، تا بفهمیم در فصل های یک و دوم چه می گذرد. ولی بعد پولس ادامه می دهد و می گوید، عیسی مسیح شما را از عصر شیطانی کنونی نجات داده است. حالا چرا او این را می گوید؟ چرا این موضوع مهم است؟ اگر بتوانم به این برگردم، اگر این دایره عصر شیطانی کنونی را نشان می دهد، توجه کنید که اگر درست می گویم که پولس شریعت را در آن قرار داده است، پس با یادآوری به خوانندگانش، شما قبلا از عصر شیطانی کنونی نجات یافته اید.

و به اشاره به رستاخیز توجه کنید. از طریق رستاخیز مسیح است که شما از عصر شیطانی کنونی رهایی یافته اید و این عصر افتتاح شده است که عیسی آن را پادشاهی در انجیل می نامد. حال، شما به یک حوزه جدید با حیات، عدالت و روح القدس تعلق دارید، اما از عصر شیطانی کنونی نجات یافته اید، جایی که بعدا در غلاطیان، پولس قصد دارد شریعت را در اینجا قرار دهد.

بنابراین، پولس چه کرده است؟ در حال حاضر، او شروع به ساختن پرونده خود کرده و خوانندگانش را کنار می گذارد. اگر آنها قبلا از عصر شیطانی کنونی رهایی یافته اند، همانطور که پولس در فصل اول آیه چهار می گوید، پس شریعت دیگر نباید بر آنها اقتدار داشته باشد. دیگر نباید نقشی در زندگی آنها ایفا کند.

زیرا دوباره، بعداً در فصل سوم، پولس شریعت را در این دسته قرار می دهد. دوباره، نه به این دلیل که شریعت شیطانی است. دور از آن.

پولس ادعا می کند، نه، شریعت خوب است. اراده خدا را بیان می کند. اما شریعت به عنوان بخشی از عهد موسی، قانون الزام آور، عهد الزام آور موسی، پولس متقاعد شده است که در نهایت قدرت غلبه بر گناه و مرگ را ندارد.

و بنابراین، او آن را زیر این قرار می دهد، نه به این دلیل که برابر با این سه است و بد یا بد است. من می خواهم شما این را درک کنید. اما در نهایت قدرت غلبه بر این و تولید آن را ندارد.

بنابراین، پولس می گوید، شما از شر رهایی یافته اید، عصر شرارت کنونی در فصل اول، آیه چهار. و بعداً، او قانون را در این دسته قرار می دهد. بنابراین، اگر پولس بتواند آنها را وادار کند که در فصل اول، آیه چهار، با آن موافقت کنند، باید بتواند آنها را به توافق برساند که شریعت دیگر مرجعی الزام آور بر زندگی آنها نیست.

اکنون، ما هنوز باید این سوال را بپرسیم که قانون چه نقشی دارد؟ آیا پولس اصلاً نقشی در زندگی مسیحیان دارد؟ و من متقاعد شده ام که اینطور است. اما تا آنجا که این قانون الزام آور به عنوان بخشی از عهد موسی وجود دارد، پولس متقاعد شده است که دیگر لازم الاجرا نیست. بنابراین در حال حاضر در فصل اول، آیات یک تا چهارم، پولس خوانندگان خود را آماده می کند تا آنچه را که بعداً می خواهد بگوید بپذیرند.

اما در فصل های اول و دوم با این تمرین زندگی او در یهودیت چه می گذرد؟ اوه، متأسفم، ما قبلاً به آن نگاه کردیم. غلاطیان یک و دو. در فصل اول، آیات ۱۳ و ۱۴، پولس در مورد زندگی خود قبل از گرویدن به مسیحیت بحث می کند.

اینجاست که او خود را اینگونه توصیف می کند. او می گوید شما شنیده اید، ای خوانندگان غلاطیان، هیچ شکی در مورد زندگی قبلی من در یهودیت نشنیده اید. من با خشونت کلیسای خدا را مورد آزار و اذیت قرار می دادم و آن را نابود می کردم.

من در یهودیت فراتر از بسیاری از مردم همان سن و سال پیشرفت کردم، زیرا نسبت به سنت های اجدادم بسیار غیرت بیشتری داشتم. بنابراین این دو آیه به نوعی خلاصه ای از زندگی پولس در یهودیت هستند. و ما برمی گردیم و می پرسیم، چرا او باید این را به آنها بگوید؟ با این حال، نکته دوم این است که در آیات 15 تا 17، پولس بازگشت خود را بازگو می کند.

بنابراین، او می گوید، با این حال، هنگامی که خدا، که مرا قبل از تولد متمایز کرده بود و مرا از طریق فیض خود فرا خواند، خشنود شد که پسرش را در من آشکار کند، تا بتوانم او، عیسی، را در میان امتهای اعلام کنم، من با هیچ انسان دیگری مشورت نکردم. و من به اورشلیم نزد کسانی که پیش از من رسولان بودند رفتم، اما فوراً به عربستان رفتم، و بعد از آن به دمشق بازگشتم. بنابراین، پولس به ما می گوید که هنگام بازگشت خود، بلافاصله به اورشلیم رفت.

سپس بقیه فصل 1 و فصل 2 وقایعی را که درست پس از بازگشت پولس اتفاق افتاد بازگو می کند. باز هم خلاصه ای از رویدادهای اصلی که پس از بازگشت پولس رخ داد، به نظر من، از جمله شورای اورشلیم که در اعمال رسولان درباره آن می خوانیم. اعمال رسولان فصل 15.

حال سوال این است که پولس با ارائه این طرح از زندگی خود در یهودیت و بازگشت خود و سپس شرح مختصری از برخی از کارهایی که بلافاصله پس از بازگشت خود انجام داد، چه می کند؟ به نظر من کاری که

پولس انجام می دهد این است. این به اولین جمله در فصل 1 برمی گردد. پولس، یک رسول، نه با تصمیم بشر، و نه با اراده انسان، بلکه با مأموریت خداوند عیسی مسیح. به احتمال زیاد، آنچه اتفاق افتاده بود این بود که برخی از یهودیان در واقع اعتبار رسولی پولس را زیر سوال می بردند، و می گفتند که یا این مرد یک رسول واقعی نیست، او صرفاً یک رسول خودخوانده است یا چیزی شبیه به آن، یا اگر او یک رسول است، او به نوعی یک مرتد است، او در واقع با رسولان واقعی اورشلیم همسو نیست.

این شخصیت های مهم ستون مانند پطرس، یعقوب، و یوحنا، این حواریون برجسته. پولس یک منحرف است، او به نوعی مرتد است، و او واقعا از انجیل واقعی که رسولان، پطرس، یعقوب و یوحنا تعلیم می دهند، دور شده است. بنابراین، اکنون پولس باید به آن پاسخ دهد.

و کاری که او انجام می دهد نشان دادن چند چیز است. اول اینکه، پولس با ارائه شرحی از قبل، حین و بعد از بازگشت خود، نشان می دهد که در هیچ مقطعی مژده خود را از یک انسان صرف دریافت نکرده است. در واقع، به همین دلیل است که او می گوید، من حتی پس از بازگشت من حتی بلافاصله به اورشلیم نرفتم.

پس چگونه می توانستم این مژده را از انسان ها دریافت کنم؟ یا چگونه می توانستم این انجیل را دریافت کنم و سپس آن را تحریف کنم؟ نه، او می گوید، من آن را مستقیماً از عیسی مسیح دریافت کردم. در راه دمشق، طبق اعمال رسولان، اعمال رسولان فصل 9، خدا او را در جاده دمشق به زمین انداخت، زمانی که پولس بازگشت کرد. پولس می گوید آن زمان بود که مژده ام را دریافت کردم.

بنابراین، با تمرین، و او می گوید، هیچ چیز برای آماده کردن من برای این انجیل وجود نداشت. من یک یهودی غیور بودم. در واقع سعی می کردم کلیسای عیسی مسیح را نابود کنم.

بنابراین، هیچ چیز قبل، حین یا بعد از آن وجود نداشت که پولس را برای انجیل آماده کند. این فقط می توانست در نتیجه یک مکاشفه مستقیم از سوی عیسی مسیح باشد. پولس اینگونه استدلال می کند.

با این حال، پولس استدلال می کند که پولس به نوعی روی طناب راه می رود، زیرا او باید دو کار را در غلاطیان انجام دهد. به یاد داشته باشید، او خطاب به خوانندگان غیریهودی خود می گوید که برخی از یهودیان وارد شده اند. آنها رسالت پولس را زیر سوال می برند.

او می گوید، او یک رسول واقعی نیست. این انجیل که او موعظه می کند فقط یک انحراف است. پس او را باور نکنید.

و سپس سعی می کنیم مسیحیان غیریهودی را متقاعد کنیم که تسلیم شریعت موسی شوند. حال، در پاسخ به آن، پولس باید دو کار را در غلاطیان 1 و 2 انجام دهد. او باید روی طناب راه برود، زیرا از یک طرف، او باید نشان دهد، همانطور که گفتم، او باید نشان دهد که انجیل او به هیچ مرجع انسانی دیگری وابسته نیست. این چیزی نیست که او از شخص دیگری دریافت کرده باشد.

این چیزی نیست که او خودش ابداع کرده باشد. این از مکاشفه مستقیم عیسی مسیح آمده است. بنابراین، او باید استدلال کند که از هر دیگری مستقل است.

از سوی دیگر، پولس همچنین باید مراقب باشد تا نشان دهد که انجیل او با رسولان اورشلیم در تضاد نیست، که آنها آن را پذیرفتند و آن را تأیید کردند. بنابراین، آیا می بینید که او چقدر باید مراقب باشد؟ از یک طرف، او باید استقلال خود را نشان دهد، که این انجیل مستقل از هر مرجع انسانی به او رسیده است. از عیسی مسیح به او رسید.

با این حال، او هنوز باید وابستگی خود را نشان دهد، نه وابستگی، بلکه این واقعیت را نشان دهد که انجیل او توسط رسولان اورشلیم پذیرفته و به رسمیت شناخته شده و تأیید شده است. بنابراین، او باید راه برود، مسیری را هدایت کند، بین نشان دادن استقلال خود، اما همچنین وابستگی خود به رسولان اورشلیم. به طوری که خوانندگان او متقاعد خواهند شد که این انجیل که پولس به آنها موعظه کرد، هنگامی که او آمد، بر اساس اعمال رسولان، هنگامی که او از این شهرها بازدید کرد، کلیسای تأسیس کرد، این انجیل که پولس موعظه می کند، که می توان نجات یافت، می توان عادل شمرده شد، تنها با فیض، جدا از تسلیم، و ایمان به عیسی مسیح، جدا از تسلیم شدن به شریعت موسی، آن انجیل یک انحراف یا انجیل انحرافی نیست که پولس ساخته یا منحرف کرده باشد.

این چیزی کمتر از انجیلی نیست که او از عیسی مسیح دریافت کرده است، و او می گوید، به هر حال، این رسولان مهم، پطرس، یعقوب و یوحنا، آنها پذیرفتند و تأیید کردند و توافق کردند که این یک انجیل معتبر است. بنابراین، چرا خوانندگان او باید تسلیم این یهودیان شوند؟ نیازی به زیر سوال بردن این انجیل نیست که آنها قبلاً از طریق ایمان به عیسی مسیح دریافت کرده اند، به غیر از تسلیم شدن در برابر شریعت موسی. حال، با فکر کردن به این سوال، چرا پولس متقاعد شد؟ و در اینجا، چیزی که در ادامه می خواهیم در مورد آن صحبت کنیم، فقط به طور خلاصه، شما همپوشانی آن را با کتاب رومیان تشخیص خواهید داد، و این است که، پولس متقاعد شده است.

این یکی از کتاب هایی است که پولس در آن بیرون می آید و این بیانیه جسورانه را بیان می کند که ما با ایمان به عیسی مسیح عادل شمرده می شویم و نه با اعمال شریعت. و این را در فصل 2 خواهید یافت، که با آیه 16 شروع می شود. او می گوید، با این حال ما می دانیم، این غلاطیان 2: 16 است، با این حال ما می دانیم که یک شخص با اعمال شریعت عادل شمرده نمی شود.

و به هر حال، وقتی پولس از کلمه شریعت استفاده می کند، خواه فقط قانون باشد یا اعمال شریعت، بیشتر اوقات در نامه هایش منظور شریعت موسی است. بنابراین، او می گوید، ما نه با اعمال شریعت موسی، نه با پایبندی و مقید بودن به شریعت موسی، بلکه از طریق ایمان به عیسی مسیح عادل شمرده می شویم. و در واقع یک بحث طولانی در مورد این عبارت وجود دارد، ایمان به عیسی مسیح، دقیقاً به چه معناست، که من قصد ندارم به آن بپردازم، اما متقاعد شده ام که این راهی است که باید آن را در پیش گرفت، ایمان به عیسی مسیح.

بنابراین، کسی عادل شمرده نمی شود، بر اساس اطاعت از شریعت موسی در برابر خدا توجیه یا عادل اعلام نمی شود، بلکه صرفاً بر اساس ایمان به عیسی مسیح است. حالا دوباره، سوال این است که چرا اینطور است؟ پولس در مورد شریعت چه فکر می کرد؟ چرا او متقاعد شد که عادل شمردگی نمی تواند با اعمال شریعت حاصل شود؟ ما در مورد رومیان دیدیم که به طور سنتی و سنتی این مارتین لوتر بود که پیشنهاد کرد که منظور پولس از آثار شریعت، از شریعت گرایی است، با تلاش قانونی برای انجام کارهای خوب به اندازه کافی که بتوان لطف خدا را به دست آورد. و این همان چیزی بود که پولس به آن واکنش نشان داد.

بنابراین، پولس می گوید، ما می دانیم که ما با تلاش برای به دست آوردن لطف خدا با انجام کارهای خوب به اندازه کافی که خدا به نوعی از ما خشنود شود، عادل شمرده نمی شویم، اما در عوض، ما با رها کردن آن و به سادگی اعتماد به عیسی مسیح عادل شمرده می شویم. مارتین لوتر اینگونه آن را درک کرد. او اعمال شریعت را به عنوان تلاش قانونی برای انجام کارهای خوب برای جلب لطف و برکت خدا و تضمین و کسب رستگاری در نظر گرفت.

و این چیزی است که پولس علیه آن صحبت می کند. با این حال، ما دیدیم که اخیراً، رویکردی به نام دیدگاه جدید یا نگاه جدید، من آن را در کتاب درسی شما نامیدم. بنابراین دوباره، پولس دستخوش یک تغییر شدید شده است، به اصطلاح، نحوه درک و خواندن پولس و رویکرد او به شریعت تغییر کرده است.

ما دیدیم که افرادی مانند سندرز و جیمز دان، و اگر هر یک از شما با نوشته های N.T. Wright آشنا باشید، برخی از نوشته های N.T. Wright، W-R-I-G-H-T، N.T. راایت را دیده اید، آیا آنها می گویند که پل علیه قانون گرایی بحث نمی کرد، بلکه ناسیونالیسم یا انحصارگرایی بود. به این معنا که اعمال قانون نوعی رمز برای زندگی به عنوان یک یهودی است. بنابراین، چیزی که پولس نسبت به آن واکنش نشان می داد، این بود که یهودیان شریعت گرایی را ترویج نمی کردند، سعی نمی کردند لطف خدا را به دست آورند، آنها نجات را به زندگی به عنوان یک یهودی محدود می کردند.

آنها در حال محدود شدن بودند، که تعلق به قوم خدا به این معنی است که از نظر قومی باید با اطاعت از شریعت موسی برای نشان دادن آن با یهودیان همذات پنداری کرد. و کاری که پولس سعی می کند انجام دهد این است که بگوید، نه، نه، نه، نجات فقط دارایی یهودیان نیست، بلکه اکنون از طریق ایمان به عیسی مسیح به هر کسی تعلق دارد. بنابراین، نگاه جدید نشان می دهد که مسئله اصلی این است که قوم واقعی خدا چه کسانی هستند؟ آیا فقط کسانی هستند که از طریق شریعت با اسرائیل و یهودیان همذات پنداری می کنند، یا غیریهودیان می توانند صرفاً با ایمان و بدون زندگی به عنوان یک یهودی قوم خدا شوند؟ و این چیزی است که پولس می خواهد استدلال کند، بله، غیریهودیان بدون نیاز به زندگی تحت یهودیت نیز می توانند قوم خدا باشند.

پس همین سوال در غلاطیان مطرح می شود، آیا پولس چه چیزی را اینقدر ناراحت کرده است؟ او علیه چه چیزی استدلال می کند؟ مشکل او با قانون چیست؟ چرا او می گوید که هیچ را نمی توان با اعمال شریعت عادل شمرده کرد؟ آیا به دلیل شریعت گرایی است، به این دلیل که ما نمی توانیم لطف خدا را به دست آوریم، یا به دلیل انحصارگرایی و ناسیونالیسم، که واقعاً محدود کننده است، نجات را بیش از حد محدود می کند، و تعلق به قوم خدا را بیش از حد به یهودی بودن و زندگی تحت یهودیت محدود می کند. به نظر من، باز هم شاید من فقط کسی هستم که بیش از حد روی حصار سوار می شوم، اما به نظر می رسد که واقعاً دلیلی برای ایجاد چنین تمایز شدیدی بین این دو رویکرد وجود ندارد. از یک طرف، من فکر می کنم مارتین لوتر به حقیقت نزدیک بود وقتی پیشنهاد کرد که پولس فکر می کند که بخشی از مشکل در تسلیم شدن در برابر شریعت موسی است، سپس تکیه بر توانایی خود برای حفظ شریعت است.

و یکی تکیه بر توانایی خود برای همذات پنداری با یهودیت و توانایی خود برای حفظ کامل شریعت بود. بنابراین، در فصل 3 و آیه 10، متنی که در اینجا ذکر کردم، پس دوباره، چرا هیچ را نمی توان با حفظ شریعت عادل دانست؟ پولس در فصل 3 آیه 10 می گوید، زیرا همه کسانی که به اعمال شریعت تکیه می کنند نفرین می شوند، زیرا نوشته شده است، لعنت بر هر کسی که همه چیزهایی را که در کتاب شریعت نوشته شده است، یعنی شریعت موسی رعایت نکند و از آن اطاعت نکند. بنابراین، او می گوید، من فکر می کنم مارتین لوتر نکته ای داشت، که پولس می گوید، اگر می خواهید بر اساس شریعت عادل شمرده شوید، این نیاز به رعایت کامل دارد.

اما پولس می گوید، با این حال، شریعت می گوید که لعنت بر کسی است که از آن پیروی نکند یا از هر چیزی که در آن نوشته شده است اطاعت نکند. و بنابراین مشکل این است که از آنجایی که خوانندگان نمی توانند این کار را انجام دهند، هیچ نمی تواند شریعت را تا حدی که برای جلب لطف خدا لازم است، حفظ کند. و این یکی از نکات مارتین لوتر بود.

و من فکر می کنم که این در بیانیه پولس منعکس شده است. هر کسی که می خواهد عادل شمردگی را از طریق قانون دنبال کند، باید بفهمد که اگر آن را به طور کامل حفظ نکنید، نفرین شده اید. و من فکر می کنم فرض این است که به دلیل گناه انسان، هیچ نمی تواند این کار را انجام دهد.

بنابراین این مارتین لوتر بود، و من فکر می کنم که هنوز هم یک خوانش معتبر از آنچه پولس می گوید است. پس این یکی از دلایل است. باز هم، ممکن است بیش از یک مورد وجود داشته باشد.

من می خواهم پیشنهاد کنم که وجود دارد. اما یکی از دلایلی که پولس فکر می کرد شریعت را نمی توان عادل شمرده کرد این بود که هیچ نمی توانست آن را به طور کامل حفظ کند. قانون نفرین را به خاطر عدم حفظ آن و اطاعت کامل از آن با خود به همراه داشت.

با این حال، پولس نیز متقاعد شده است، و اینجاست که نگاه جدید یا دیدگاه جدید مهم است، پولس همچنین متقاعد شده است که شریعت فقط باید به طور موقت تا زمان آمدن عیسی مسیح عمل کند. و منظور من از قانون، فقط فهرست قوانین و مقررات نیست. منظورم شریعت است که متعلق به کل عهد موسی است.

کل عهدی که خدا در زمان موسی با اسرائیل بست. به گفته پولس، تمام آن دوره، همراه با شریعت، فقط قرار بود موقتی باشد، تا زمان آمدن مسیح. بنابراین، به این دو دلیل، پولس می گوید، به خوانندگان خود می گوید و اساساً از آنها التماس می کند، چرا می خواهید تسلیم شریعت موسی شوید؟ زیرا هیچ نمی تواند آن را به طور کامل نگه دارد.

نفرین برای هر کسی که زندگی نمی کند، در آن بماند وجود دارد. و دوم، شریعت فقط قرار بود تا زمان آمدن مسیح موقتی باشد. اکنون که مسیح آمده است، عملکرد اصلی شریعت به عنوان بخشی از عهد موسی متوقف شده است.

از بین رفته است. پس چرا خوانندگان می خواهند تسلیم این یهودیان شوند و تسلیم شریعت موسی شوند؟ حالا لطفاً به من گوش دهید. بنابراین، پولس نمی گوید که ما از هیچ شریعتی آزاد هستیم.

بعضی ها غلطیان را اشتباه خوانده اند که به این معنی است که من در مسیح آزاد هستم تا هر کاری که می خواهم انجام دهم. این نکته پولس نیست. آنچه او می گوید این است که آنها از قوانین موسی آزاد هستند، به عنوان مجموعه ای الزام آور از دستورات و قوانین به عنوان بخشی از عهدی که خدا با موسی بسته است.

این اکنون در عیسی مسیح و عهد جدیدی که اکنون از طریق او تجربه می کنند، تحت الشعاع قرار گرفته و محقق شده است. حال، در فصل های 3 و 4، این نکته دوم مرا به مشاهدات بعدی در یادداشت های شما هدایت می کند و آن اهمیت فصل های 3 و 4 است. در فصل های 3 و 4، به یاد نمی آورم که آیا ... من یک اسلاید در این مورد دارم. در فصل های 3 و 4، پولس قصد دارد یک سری استدلال ها را مطرح کند.

من هنوز متقاعد نشده ام که این پروباتیو یک سخنرانی یونانی-رومی باشد، اما با این وجود، پولس سعی می کند با جمع آوری یک سری شواهد یا استدلال ها، خوانندگان خود را استدلال و متقاعد کند. و یکی از آنها، اولین مورد، در فصل های 3، 1 تا 5 یافت می شود. و در اینجا، پولس از تجربه غلطیان استدلال می کند. او به غلطیان می گوید... باز هم به یاد داشته باشید، غلطیان وسوسه می شوند که تسلیم شریعت موسی شوند.

یهودیان به آنها گفته اند که ایمان آنها به مسیح، اگرچه ضروری است، اما باید با تسلیم شدن در برابر شریعت موسی تکمیل شود. و اکنون پولس می خواهد علیه آن استدلال کند. در فصل 3، آیه های 1 تا 5، توجه کنید که او چگونه شروع می کند، راه خوبی برای حمایت از آنها نیست، اما دوباره، به یاد داشته باشید، پولس از پاسخ غلطیان بسیار شوکه و ناراحت و خشمگین است.

او می گوید: چه کسی تو را جادو کرده است؟ در مقابل چشمان شما بود که مسیح عیسی به عنوان مصلوب شده در انظار عمومی به نمایش گذاشته شد. تنها چیزی که می خواهم از شما یاد بگیرم این است. و اکنون پولس می خواهد از آنها سوالاتی بپرسد تا آنها را وادار کند تا نتیجه گیری مناسب داشته باشند و در مورد پرونده خود بحث کنند.

سوال اول اینجاست. آیا روح القدس را با انجام کارهای شریعت دریافت کردید یا با ایمان آوردن به آنچه شنیده اید؟ حالا بگذارید از شما بپرسم، چرا پولس به روح متوسل می شود؟ در اینجا من آن را به معنای روح القدس می دانم. اگر ترجمه های انگلیسی شما دارای حروف بزرگ Spirit هستند، احتمالاً درست است.

پولس به روح القدس اشاره می کند. اما این چه ربطی به استدلال او دارد؟ این چه ربطی به اثبات این دارد که غلطیان نیازی به اطاعت از شریعت موسی ندارند؟ او می گوید می خواهم یک چیز از شما بپرسم. آیا روح القدس را با رعایت شریعت، انجام کارهای شریعت، یا با ایمان آوردن به آنچه شنیده اید، یعنی اعتماد به عیسی مسیح و مژده ای که پولس موعظه کرد، دریافت کردید؟ چرا پولس این را می گوید؟ این چگونه به پرونده او کمک می کند؟ دوباره، او از تجربه آنها استدلال می کند و می گوید، آیا روح القدس را با رعایت شریعت دریافت کردید یا با ایمان به پیامی که من به شما موعظه کردم، انجیل با محوریت ایمان به عیسی مسیح؟ چرا پولس این سوال را مطرح می کند؟ منظورم این است که این چه کاری انجام می دهد؟ به عبارت دیگر، چرا او روح القدس را می خواند؟ آنها روح القدس را دریافت می کنند، که احتمالاً منعکس کننده برخی از چیزهایی است که ما در اعمال رسولان دیدیم، مانند اعمال رسولان فصل 2، ریختن روح القدس بر ایمانداران.

چرا پولس به روح متوسل می شود؟ منظورم این است که این به نظر عجیب و غریب می رسد، نوعی ذهنی، آیا شما روح القدس را دریافت کردید؟ آیا او می گوید، آیا وقتی نجات یافتید این احساسات گرم و مبهم را دریافت کردید و این ثابت می کند که شما قوم خدا هستید بنابراین نیازی به حفظ شریعت ندارید؟ چرا او به روح القدس متوسل می شود؟ ما گفتیم پس زمینه چیست؟ در عهد جدید، به ویژه در پولس، پولس را می بینیم که در مورد روح القدس صحبت می کند. پس زمینه آن چیست؟ او این تصور را از کجا می آورد که ما اکنون روح القدس را داریم؟ پولس آن را از کجا آورد؟ خیلی خوب. از عیسی که در مورد فرستادن و ریختن روح القدس صحبت کرد.

و حتی می توانیم بیشتر عقب نشینی کنیم و بگوییم عیسی آن را از عهد عتیق گرفته است. اگر به یاد داشته باشید، پیامبران عهد عتیق وعده زمانی را دادند که خدا عهد جدیدی برقرار خواهد کرد که بر اساس عهد جدید بود که ما قوم خدا شویم. این واقعیت که ما فرزندان خدا و قوم خدا هستیم بر اساس وعده یک عهد جدید است.

بنابراین، وقتی عیسی در مورد این واقعیت صحبت کرد که روح خود را می ریزد و روح خود را در اعمال رسولان می فرستد، و شما در مورد آن در یوحنا می خوانید، این به عهد عتیق برمی گردد. عیسی اساساً قول می دهد که عهد جدید را برقرار کند. پس حالا پولس چه می گوید؟ او اساساً از آنها می پرسد، آیا با حفظ شریعت یا نه، عهد جدید روح القدس را به عنوان مدرکی مبنی بر اینکه قوم خدا هستید دریافت کردید؟ و فرض این است که او فرض می کند که ایمانداران روح القدس را دریافت کرده اند، احتمالاً در همان خطوط

اعمال رسولان فصل 2. و شاید پولس فرض می کند که صحبت کردن به زبانها و برخی از این چیزهای معجزه آسا دیگر گواه این امر بوده است.

اما دوباره، پولس استدلال می کند، باز هم اگر بتوانم بازنویسی کنم، او می گوید، اگر شما روح القدس را به عنوان مدرکی دریافت کردید، طبق وعده عهد عتیق مبنی بر یک عهد جدید، روح القدس دلیلی بر این بود که آنها قوم خدا بودند. حالا او می گوید، بر چه اساسی روح القدس را دریافت کردید؟ بر چه اساسی این روح عهد جدید را دریافت کردید که ثابت می کند شما واقعا قوم خدا هستید؟ آیا آن را با اطاعت از شریعت دریافت کردید یا صرفا با ایمان آوردن آن را دریافت کردید؟ و البته، پاسخ این است، خوب ما آن را زمانی دریافت کردیم که پولس انجیل را موعظه کرد و زمانی که ما به آن ایمان آوردیم. بنابراین، نتیجه گیری پولس این خواهد بود، پس فکر می کنید چرا باید شریعت را اضافه کنید؟ شما در حال حاضر نشانه ای دارید که قوم خدا هستید، یعنی عهد جدید روح القدس، که در حزقیال و ارمیا و عهد عتیق وعده داده شده است، و ما شاهد ریختن آن در اعمال رسولان فصل 2 بودیم. بنابراین، آنها از قبل نشانه واقعی این را دارند که قوم عهد جدید خدا هستند، چرا باید شریعت عهد عتیق را اضافه کنند؟ بنابراین این اولین استدلال اوست، استدلال او از تجربه.

در واقع، فقط برای خواندن سؤالات دیگر، او می گوید، آیا شما اینقدر احمق هستید که در روح شروع کرده اید، آیا اکنون می خواهید با جسم به پایان برسانید؟ آیا این همه چیز را بیهوده تجربه کردید، اگر واقعا هیچ چیز نبود؟ بنابراین دوباره، پولس به تجربه آنها متوسل می شود. این واقعیت که آنها عهد جدید روح القدس را که در عهد عتیق وعده داده شده است تجربه کرده و دریافت کرده اند، نشانه این است که آنها واقعا قوم خدا بودند، اگر آنها آن را دریافت کردند، و این کار را کردند، صرفا بر اساس ایمان، پس شریعت عهد عتیق چه چیزی می تواند به آن اضافه کند؟ آنها در حال حاضر دارای نشانه واقعی هستند که عصر جدید افتتاح شده است، پادشاهی افتتاح شده است، و عهد جدید، و اینکه آنها قوم خدا هستند. دومین چیزی که پولس برای آن استدلال می کند این است که پولس از عهد عتیق در فصل 3 استدلال می کند. و روشی که پولس این کار را انجام می دهد این است که پولس از نظر تاریخی استدلال می کند تا نشان دهد که شریعت موسی فقط نقشی موقتی ایفا کرده است.

به عبارت دیگر، پولس اساسا می خواهد اینگونه استدلال کند، او می خواهد بگوید، وعده هایی که به ابراهیم داده است. اگر به عقب برگردید، کاری که پولس انجام می دهد این است که او اساسا تمام وعده های نجات را که به ابراهیم مرتبط است درک می کند. به یاد دارید که خدا در پیدایش فصل 12 به ابراهیم چه وعده داده بود؟ او گفت، من شما را یک ملت بزرگ را، و من شما را برکت خواهد داد، و تمام ملت های زمین برکت داده خواهد شد.

بنابراین، اساسا، نجات، یا عادل شمردگی، اگر بخواهیم از برخی از زبانهای که پولس استفاده می کند، دریافت روح القدس، همه اینها به ابراهیم گره خورده اند. و سوال، سوال این است که چگونه وعده هایی را که به ابراهیم داده شده است دریافت کنیم؟ حالا، بیشتر، در قرن اول، این یهودیان می گفتند، خوب، این از طریق شریعت موسی است. با رعایت شریعت موسی است که فرد وعده های ابراهیم را دریافت می کند.

از یک ملت بزرگ، از برکات، از نجات، عادل شمردگی، دریافت روح القدس، اینها همه وعده های ابراهیم هستند، و شما با رعایت شریعت موسی در آنها شرکت می کنید. کاری که پولس انجام می دهد این است که می گوید، نه، نه، نه، اگر عهد عتیق را بخوانید، نقشه پولس بیشتر شبیه به این خواهد بود، او می گوید، شریعت موسی در واقع فقط نقشی موقتی ایفا کرد تا زمانی که وعده های ابراهیم در مسیح محقق شود. بنابراین، در واقع، من احتمالا باید یک تیر از وعده های ابراهیم تا تحقق در مسیح بکشم، زیرا پولس متقاعد شده است که شریعت موسی راه اصلی تجربه وعده های ابراهیم و نجات توسط قوم خدا نبوده است.

فقط اکنون از طریق ایمان به مسیح است. بنابراین، شریعت موسی فقط نقشی موقتی ایفا کرد. بنابراین، برای مثال، به آنچه او می گوید گوش دهید.

برای همه آنها، بیایید ببینیم، من آن یکی را خواندم. برادران و خواهران، من برای شما مثالی از زندگی روزمره می زنم. هنگامی که وصیت نامه یک شخص تصویب شد، هیچ به آن اضافه نمی کند یا آن را باطل نمی کند.

اکنون که وعده به ابراهیم و فرزندانش داده شده است، نمی گوید و به فرزندان و به بسیاری از آنها، بلکه می گوید و به اولاد شما که مسیح است. بیایید ببینیم. سپس می گوید، به این گوش دهید.

پولس می گوید، منظور من این است. این قانون که 430 سال بعد آمد، عهده را که قبلاً توسط خدا بسته بود، یعنی عهد با ابراهیم، لغو نمی کند. بنابراین، نکته او این است که عهد موسی این را لغو نمی کند یا سابقه ای ندارد.

در عوض، او ادامه می دهد و می گوید که اگر ارث توسط قانون حاصل شود، دیگر با وعده نمی آید. اما خدا آن را از طریق وعده به ابراهیم عطا کرد. بنابراین، دوباره، آنچه پولس سعی می کند از طریق همه اینها بگوید این است که شریعت موسی فقط نقشی موقتی تا زمان آمدن عیسی مسیح ایفا کرد.

اکنون که عیسی مسیح آمده است، کارکرد اصلی شریعت کنار گذاشته شده است. حال، دوباره، ما هنوز باید این سوال را مطرح کنیم که مسیحیان چگونه باید شریعت را بخوانند؟ با آن چه کنیم؟ آیا می توانیم آن را نادیده بگیریم؟ که فکر می کنم پاسخ منفی است. اما سوال این است که ما با آن چه کنیم؟ شریعت داده شده به موسی را چگونه بخوانیم؟ باز هم، وقتی در مورد قانون صحبت می کنیم، به هیچ قانونی اشاره نمی کنیم.

ما به شریعتی اشاره می کنیم که به عنوان بخشی از عهده که خدا با موسی بست به موسی داده شد. اما آیا نکته او را تا کنون می بینید؟ پولس می گوید، شریعت موسی سال ها پس از وعده به ابراهیم آمد. و همانطور که او می خواهد ادامه دهد و نشان دهد، شریعت فقط نقشی موقتی ایفا کرد تا زمانی که مسیح بتواند برسد، تا زمانی که مسیح بتواند وعده ای را که به ابراهیم داده است به انجام برساند.

شریعت موسی آن را به تحقق نرساند. عیسی مسیح این کار را کرد. قانون فقط یک نقش موقتی ایفا کرد و اکنون این نقش به پایان رسیده است.

اما بگذارید به نکته سوم نگاه کنم، استدلال فرهنگ. پولس می رود، برای اینکه نشان دهد شریعت موسی موقتی است، پولس قصد دارد در مورد چند چیز در فرهنگ آنها بحث کند. و با آیه 23 شروع کنید.

اکنون، به استعاره های مختلفی که پولس استفاده می کند گوش دهید. حال، قبل از اینکه ایمان بیاید، و با ایمان، او از کلمات مختلفی برای اشاره به آمدن مسیح و اعتماد و ایمان به مسیح استفاده می کند. گاهی اوقات او فقط به وعده اشاره می کند.

گاهی اوقات او به مسیح اشاره می کند. گاهی اوقات او به ایمان اشاره می کند. اما همه آنها راه هایی برای اشاره به یک چیز هستند.

آمدن مسیح و اعتماد به او برای عادل شمردگی و نجات. بنابراین، او می گوید، اکنون قبل از اینکه ایمان بیاید، ما زندانی بودیم و تحت شریعت محافظت می شدیم تا ایمان آشکار شود. بنابراین، توجه کنید که اولین استعاره ای که پولس استفاده می کند از یک زندان یا یک نگهبان زندان است.

او می گوید که شریعت به نوعی برای زندانی کردن قوم خدا عمل می کرد. مانند یک زندان عمل می کرد. او نمی گوید که اسرائیل بد بود و آنها نیاز به مجازات یا چیزی شبیه به آن داشتند.

نکته اصلی این است که قانون هدف بسیار محدودی داشت. برای مدت زمان محدودی به روشی بسیار خاص عمل می کرد. بسیار شبیه به زندان یا زندان، برای قفل کردن و محافظت از قوم خدا عمل می کرد.

تا اینکه عیسی مسیح آمد و نجات موعود را برای ابراهیم آورد. بنابراین اولین استعاره یک نگهبان زندان است، تصویر یک زندان یا زندانی کردن کسی. اما بعد او می گوید، در آیه ۲۴، شریعت نیز انضباطی ما بود تا مسیح آمد تا عادل شمرده شویم.

این تصویر از یک انضباطی تصویر بسیار مهمی را در قرن اول ترسیم می کند. به خصوص برای افراد ثروتمندتر، اگر فرزندی داشتید، معمولاً یک پسر، معمولاً کاری که می کردید این بود که یک انضباطی را استخدام می کردید که اساساً مسئول مراقبت و تربیت آن کودک بود. تصاویر در اینجا چندان معلمی نیست که به شما آموزش می دهد یا شما را به سمت آن هدایت می کند، بلکه بیشتر یک انضباطی یا پرستار بچه است که شما را از دردسر دور نگه می دارد.

به عبارت دیگر، شما تا رسیدن به بزرگسالی تحت این انضباط قرار گرفتید. تا زمانی که به سن خاصی نرسیدید، دیگر نیازی به آن انضباطی نبود. بنابراین کاری که پولس با استفاده از این تصویر انجام می دهد این است که می گوید شریعت مانند یک انضباطی بود، به همان روشی که یک انضباطی در زندگی یک کودک برای مدت زمان محدودی عمل می کند تا زمانی که به بلوغ و بزرگسالی برسد.

بنابراین شریعت تا زمان آمدن عیسی مسیح نقشی موقتی ایفا کرد، تا زمانی که او آمد تا تحقق را به ارمغان بیاورد. بنابراین، پل از تصاویر یک زندانبان استفاده می کند، او از تصاویر یک انضباطی استفاده می کند. هر دوی اینها از فرهنگ و زندگی مسیحیان قرن اول خارج شده اند.

پولس از همه اینها استفاده می کند، دوباره پرونده خود را مطرح می کند، او از همه این تصاویر و خود عهد عتیق استفاده می کند تا نشان دهد که شریعت فقط نقشی موقتی ایفا می کند. نقش مهمی ایفا کرد، اما تا زمان ورود عیسی مسیح فقط موقتی بود. و هنگامی که عیسی مسیح آمد تا تحقق را به ارمغان بیاورد و نجات موعود را به ابراهیم بیاورد، شریعت موسی دیگر نقش غالب خود را ایفا نمی کند.

پس چرا خوانندگان می خواهند تسلیم آن شوند؟ باز هم، چرا خوانندگان اینقدر سریع تسلیم این یهودیان می شوند که به آنها می گویند ایمان به عیسی کافی نیست، اما شما باید به شریعت موسی نیز تسلیم شوید؟ پولس می گوید، نه، نه، آیا به یاد نمی آورید که روح القدس، روح عهد جدید، را به عنوان نشانه ای دریافت کردید که واقعا قوم خدا هستید، جدا از اینکه همیشه از شریعت اطاعت می کنید؟ و او می گوید، آیا به عهد عتیق نگاه نکرده اید؟ آیا برخی از تصاویر فرهنگی خود را از یک زندانبان و یک انضباطی در نظر نگرفته اید؟ همه اینها باید به آنها نشان دهد که شریعت موسی نقشی موقتی در اجرای نجات خدا برای قومش ایفا کرد. اکنون که این نقش به پایان رسیده است، نیازی نیست که مسیحیان غلاطیه تسلیم شریعت شوند. چرا آنها می خواهند به یک معنا به عقب برگردند و تسلیم شریعت موسی شوند؟ اکنون، این هنوز این سوال را مطرح می کند که بسیاری نیز ممکن است تعجب کرده باشند.

اگر قرار است آنها تسلیم شریعت موسی نشوند، سوالی که می پرسیم این است که شریعت موسی چه نقشی ایفا می کند؟ اما دوم، آیا این بدان معناست که مسیحیان از هر گونه تعهد یا مسئولیت یا هر قانونی آزاد هستند؟ و پولس به یک معنا در بخش های باقی مانده غلاطیان به این سؤالات پاسخ خواهد داد. بنابراین،

هر گونه سؤالی که تاکنون در مورد چیست... منظورم این است که امیدوارم ببینید که پل سعی می کند یک پرونده متقاعد کننده ایجاد کند تا خوانندگان را وادار کند که تسلیم این یهودیان نشوند. او فقط الهیات شریعت یا روح القدس را به ما نمی دهد.

او سعی می کند با خوانندگان بحث کند و آنها را متقاعد کند که تسلیم یهودیان نشوند.

این دکتر دیو متیوسون در سخنرانی ۱۹ تاریخ و ادبیات عهد جدید درباره کتاب غلاطیان است.